

جایگاه اساطیری ملمداس در گستره‌ی اساطیر آب

سارا عباسی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۵

چکیده

ملمداس زنی زیبا و اغواگر است که با بوی معطر و آوازه‌خوانی، مردان را به سوی خود جذب می‌کند و آنها را در میان پاهای ازه‌ای خود قطعه قطعه می‌کند. این اسطوره مربوط به حوزه‌ی خلیج فارس است و مشابهتی با سیرن‌های یونان دارد. این پژوهش، توصیفی تحلیلی است که با هدف دریافت جایگاه اسطوره‌ای این شخصیت و شناخت ریشه‌های شکل‌گیری آن انجام شده است. در بررسی اسطوره بودن ملمداس با توجه به نگاه نظریه‌پردازان، چنین برداشت می‌شود که این مورد، تولد دوباره‌ای از آناهیتاست. در بررسی ظاهری و خویشکاری ملمداس با آناهیتا، به دوگانگی و تقابل دو اسطوره با یکدیگر می‌رسیم. چنان که برداشت می‌شود، ملمداس بیانگر دوره‌ی گذر از مادرسالاری و رسیدن به دوره‌ی پدرسالاری است که به گونه‌ای، خشم طبیعت از انسان را بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ملمداس، اسطوره، زن، آب، آناهیتا.

* مدرس دانشکده‌ی فنی و حرفه‌ای فاطمیه بندرعباس، کارشناس ارشد کارگردانی انیمیشن دانشگاه سوره تهران.

۱- مقدمه

استان هرمزگان، وام‌دار فرهنگ غنی ایرانی است که با کاوش در باورهای مردم و افسانه‌های رایج آن، همچنین اسامی انتخاب شده برای شهرها و روستاهای واقع در این منطقه، می‌توان ردپای عمیقی از سنت‌ها و آیین‌های زرتشتی و پیش از زرتشت را با استناد اثبات کرد. غنی بودن منطقه از داستان‌ها و افسانه‌های منطبق با این اقلیم، ذهن را به این مهم سوق می‌دهد که بین افسانه یا اسطوره بودن، کدام را باید انتخاب کرد. در این مقاله، به بررسی جایگاه ملمداس در مقایسه با آناهیتا پرداخته شده‌است. خاستگاه این اسطوره، حاشیه‌ی خلیج فارس و دریای عمان است. ملمداس زنی است زیبا که در شب‌های مهتابی، دامنی پوشیده از سکه‌های طلا (اشرفی) بر تن می‌کند و بر بلندای قلعه‌ای آواز می‌خواند؛ بوی معطرش در فضا می‌پیچد و با صدای زیبایش، طعمه‌های خود را جذب می‌کند. مردانی که مسحور عطر و زیبایی او شده و برای هم آغوشی راهی می‌شوند، سرنوشتی جز قطعه قطعه شدن بین پاهای آزه‌ای ملمداس نخواهند داشت. اگر کسی به حربه‌ی این زن آگاه باشد، باید مشتی خاک به چشمان او بپاشد و صندوقچه‌ی جواهری را که ملمداس هنگام هم آغوشی به زیر سر می‌گذارد، بردارد و بگریزد. در باور مردم، شب‌هایی که ماه کامل نیست، این زن تا نیمه از آب دریا خارج می‌شود و با اغواگری، دریانوردان را به کام مرگ می‌کشاند. باور دیگری که پیرامون این اسطوره وجود دارد، نامیرا بودن اوست. ملمداس هر سال در آشیانه‌ی خود که سرتاسر آن را اسکلت‌های پوسیده‌ی طعمه‌هایش در برگرفته‌است می‌نشیند و همانند مار پوست می‌اندازد و جوان‌تر و زیباتر از پیش به حیات خود ادامه می‌دهد. مسأله‌ی قابل پرداخت، تمیز اسطوره و افسانه بودن این شخصیت است؛ از طرفی یکی از وجوه مورد بررسی، چندانگانه بودن شخصیت ملمداس است. فرض می‌شود ملمداس تولد دوباره‌ی آناهیتا در دوره‌ی پدرسالاری است.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی است. اطلاعات موردنیاز این پژوهش نیز از دو روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به کلیات موضوع، پیشینه‌ی تحقیق و تاریخچه‌ها نیز از کتب، مقالات علمی و سایت‌های داخلی استفاده شد.

۳- ملمداس اسطوره یا افسانه

اگر بخواهیم به مسأله‌ی اسطوره یا افسانه بودن ملمداس بپردازیم، باتوجه به گفته‌ی اسماعیل پور در کتاب «اسطوره، بیان نمادین»: «اسطوره عبارت است از روایت و جلوه‌ای نمادین درباره‌ی ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان‌شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌بندد ... و به گونه‌ای نمادین، تخیلی وهم‌انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد یا از میان خواهد رفت و در نهایت اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی کاوشگر هستی است.»

(اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۳). با توجه به این مورد ذکر شده، می‌توان چنین برداشت کرد که زیستن در مجاورت دریا و مشغول بودن به دریانوردی که لازمه‌ی آن دور بودن از محیط خانواده است، بستری مناسب فراهم می‌سازد برای تولد چنین اسطوره‌های هماهنگ با دغدغه‌های ذهنی مردمانی که در بطن آن قرار گرفته‌اند. مردانی که دور از همسر و محیط خانواده، در حال امرار معاش هستند و زنانی که در نبود همسرانشان، ترس از خیانتی احتمالی بر آنها غالب می‌شود. این زنان، پردازنده‌ی تخیلاتی بودند که حاصلش خلق اسطوره‌ای منطبق با زندگی آنهاست. ساختار سمبولیک ملمداس در قالب زنی زیبا که مرگ بر آن تأثیری ندارد و راه دفاع انسان در مقابل آن بسته می‌شود، هم شکل بودن خصلت ذاتی ملمداس با مار که از اهریمنان است و برای امتداد زندگی پوست می‌اندازد، خود بیانگر نزدیکی ملمداس به اثبات اسطوره بودن خویش است. ذات فریبنده‌ی این مخلوق از آوازخوانی، مصداق سیرن‌ها در داستان ادیسه است. ادیسه با پر کردن گوش ملوانان از شمع و بستن خود بر دکل کشتی، راه را بر حربه‌ی سیرن‌ها بست و کشتی خود را نجات داد. مرد درگیر با ملمداس، باید با مشتتی از خاک او را شکست دهد؛ مبارزه‌ی تنگاتنگ و نزدیک‌تر به خطر در مقابل برخورد ادیسه با سیرن‌ها در این داستان شکل می‌گیرد.

همسو بودن سمبولیک این موجودات با نحوه‌ی زندگی مردم، نیازها، نحوه‌ی معیشت و مراودات و مبادلات تجاری، بر اثبات جایگاه اسطوره‌ای آن تأکید می‌کند؛ چنان که به گفته‌ی رزنبرگ «اسطوره‌ها، بیانگر و منعکس‌کننده‌ی طبیعت آدمی هستند با تمامی نیازها و خواسته‌ها، آرزوها، امیدها و بیم و هراس‌های آن.» (روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۱۵).

۴- آب، خاستگاه اساطیر

آب، سرچشمه‌ی بسیاری از اساطیر ایرانی است. اهمیت آن در باورهای میتراپرستی و آناهیت‌پرستی چنان پر رنگ است که بخش عظیمی از باورها و آیین‌های مردم باستان را آداب و رسوم مربوط به آب در بر می‌گیرد. قداست آب در باورهای ایرانیان تا آنجاست که مکان اهورایی و مطمئنی برای نطفه‌های زرتشت محسوب می‌شد که دور از دسترس اهریمنان بوده است (قرشی، ۱۳۸۰: ۲۲۶-۲۱۱). یونانیان باستان، ستایش آب را به ایرانیان نسبت می‌دادند؛ چنان که در تاریخ «هرودوت» گفته شده: ایرانیان برای آب، مراسم‌هایی همراه با قربانی و فدیة داشته‌اند (باحقی، ۱۳۷۵: ۲۹). زیستگاه ملمداس در کنار آب است؛ شب‌های مهتابی از دریا بیرون می‌آید، با دامنی طلاپوش بر بلندای صخره‌ای می‌ایستد و آواز می‌خواند. در اساطیر ایران، آب با ارجاع به ایزدبانو آناهیتا عنصری مؤنث به شمار می‌آید. در نمادشناسی اسطوره‌ای، ماه به دلیل تأثیراتی که بر جزر و مد آب می‌گذارد، در خانواده‌ی نشانه‌ها و عناصر مادینه قرار می‌گیرد. همزمانی آب، ماه و زن در این داستان همچنین تأکید بر بعد زنانه‌ی ملمداس، ذهن را به ایزدبانوی آب‌ها آناهیتا و آیین‌های آناهیت‌پرستی معطوف می‌کند.

۵- ملمداس ایزدبانوی تازه تولد یافته

آب و زن، دو عنصر جدای نشدنی از هم، نقش پر رنگی در اساطیر ایران و جهان بازی می‌کند. اهمیت آناهیتا به عنوان مادر آب، بر کسی پوشیده نیست و قداستی که آناهیتا به عنوان الهه‌ی آب حتی تا دوران پدرسالاری با خود به همراه آورده، دال بر قدرت این اسطوره است. در دوران مادرسالاری، زن به عنوان موجودی مقدس در جایگاه والایی قرار داشت. زن به عنوان مادر و تربیت‌کننده‌ی فرزند و مدیریت مهم‌ترین مسائل خانه در زمان دوری مردان، زمامدار خانواده بود. نحوه‌ی معیشت خانواده که از راه کشاورزی گذران می‌شد و ارتباط کشاورزی با آب و زن، خود تأکیدی بر جایگاه زنان است. با گذر از دوره‌ی مادرسالاری و ورود به دوره‌ی پدرسالاری، نقش زنان تغییر یافت. الهه آناهیتا با توجه به نقش پر رنگ خود، همچنان از اهمیت برخوردار بود؛ اگرچه از قدرت او نسبت به دوره مادرسالاری کاسته شده بود، با توجه به گفته‌ی هریسون «ایزدبانوی بزرگ به ایزدبانوان کوچک‌تر تقسیم شد و هر ایزدبانوی تازه تولد یافته، بخشی از ویژگی‌های ایزدبانوی بزرگ را به خود اختصاص داد (Harrison, 1963: 49). در دوره‌ی پدرسالاری که مصادف بود با شکل‌گیری تمدن و شهرنشینی شیوه‌های زندگی تغییر کرد و کشاورزی، جایگاه خود را به تجارت داد. اسطوره‌ی مورد بحث که مربوط به حوزه‌ی خلیج فارس است، از جایی برخاسته که به دلیل شرایط آب و هوایی، کشاورزی در آن رونق کمتری دارد و جایگاه اصلی معیشت به واسطه‌ی دریانوردی، مربوط به تجارت است. پس می‌توان چنین برداشت کرد که سرعت شکل‌گیری پدرسالاری در این مناطق، نسبت به جاهای دیگر بالاتر بوده‌است. ملمداس، اسطوره‌ی تطبیق یافته با زندگی و فرهنگ مردمی است که تکیه‌گاه کسب درآمد آنها دیگر از نخل‌داری و کشاورزی نیست و آنچه در اولویت است، کسب درآمد از دریا و تجارت است. تغییر یافتن ماهیت آناهیتا به عنوان الهه‌ی آب‌های شیرین به ملمداس ساکن در آب‌های شور که از جهتی نگاهی ستیزه‌جو به ماهیت زن دارد و در عین حال نیز نمی‌تواند از قدرت زن چشم‌پوشی کند گویا بیانگر تولد ایزدبانویی کوچک‌تر از ایزدبانویی بزرگ است که قداست خود را به قهر و کینه‌جویی از مرد بدل کرده‌است.

۶- وجه ظاهری و باطنی آناهیتا و ملمداس

خدایانوی آب در اسطوره‌ی ایرانی، با نام کامل اردویسورانهیتا به معنی رود (آب) نیرومند پاک است که با این الهه مفاهیمی چون آب، باران، فراوانی، رستنی‌ها، حاصلخیزی، برکت، زناشویی، عشق، مادری، زایش و پیروزی همراه است ... طبق توصیفی که از آناهیتا در اوستا شده، او تاج هشت‌پر صد ستاره‌ای بر سر، جامه‌ای زرین بر تن و گردنبند زرینی نیز بر گردن دارد (یاحقی، ۱۳۸۸: ۸۱۴).

تطبیق زیبایی ملمداس با ویژگی‌هایی که از آناهیتا بیان شده، در یک سمت و سو است. در آبان‌یشت اوستا، آناهیتا زنی زیبا، جوان، خوش‌اندام و بلند بالا دانسته شده که قدمت ستایش او به دوره‌های بسیار دور و حتی به پیش از زردشت می‌رسد. (آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۱-۲۲). اما بُعد معصوم و مقدس آناهیتا به گونه‌ای دیگر در ملمداس

نمود یافته‌است؛ موجود زیبایی که با داشتن ظاهری زنانه و جادویی، در مقابل تصاحبی که او را تهدید می‌کند، با حربه‌ای جنگ‌جویانه و انتقام‌جویانه نمود می‌یابد. اگر به بُعد مقدس آن‌ها نگاه بیافکنیم، اسطوره‌ی جدید نقش متفاوتی را بازی می‌کند. از طرفی، با شهوت مردانه نقشی ستیزه‌جویانه می‌پذیرد و از سوی دیگر، طعمه را به سوی خویش دعوت می‌کند.

ملمداس در وجه ظاهری خود از جمله زیبایی، پوشش و زیستن در کنار آب، به آن‌ها شباهت دارد؛ اما در بعد باطنی، نقطه‌ی مقابل این اسطوره است. در تحلیل مورد پژوهشی، هیچ‌گونه اثری از عشق، مادری، زایش و ... دیده نمی‌شود و تمام رفتارها در نقطه‌ی عکس آن‌ها قرار می‌گیرد؛ مرگ در مقابل زایش، کینه‌توزی مقابل عشق و شهوت در مقابل معصومیت قرار گرفته‌است (گویا ملمداس در نقش الهه‌ی قهر کرده‌ی آب، بر انسان ظاهر می‌شود و قصد دارد انتقام ناپاکی، بی‌توجهی به نعمت و پشت کردن به زن را در جامعه‌ی پدرسالار بگیرد!)

۷- فدیة و قربانی

به گفته‌ی مورخان یونانی، قربانی‌ها و فدیة‌های بسیاری به آن‌ها تقدیم می‌شد (بنونیست، ۱۳۷۷: ۳۹). شهریاران و پهلوانان نام‌آور ایرانی برای دست یافتن به پیروزی در مقابل دشمنان، هدایا و فدیة‌هایی نزد آن‌ها می‌بردند که به گفته‌ی دومزیل، این موضوع علاوه بر اینکه جایگاه والا و ارجمند این الهه را نشان می‌دهد، بیانگر خویشکاری جنگاوری اوست (دومزیل، ۱۳۸۵: ۱۲۳). دریافت فدیة و قربانی توسط آن‌ها، مقابل جعبه‌ی جواهری قرار می‌گیرد که ملمداس با خود به همراه دارد و باید به عنوان بها در برابر فریفته نشدن مردی که به او نزدیک می‌شود، پرداخت کند. آن‌ها، الهه‌ی بازمانده از دوره‌ی مادرسالاری در تجدد و تولد دوباره‌ی خود در هیبت ملمداس، هدایا و فدایای از پیش گرفته‌ی خود را در قالب زنی اغواگر پرداخت می‌کند. جعبه‌ی جواهر ملمداس که در تعبیری می‌تواند هدایای بازمانده از دوره‌ی مادر سالاری باشد، در این قالب جدید به عنوان وامی باز پس گرفته می‌شود، اما این بازگشت در جهت چشم‌پوشی از غریزه‌ی مردانه حاصل می‌شود. در داستان آن‌ها، مرد جنگاور برای پیروزی به الهه فدیة و قربانی می‌دهد، اما در تولد جدید، مرد پیروز هدیه را دریافت می‌کند و مرد شکست خورده قربانی می‌شود.

نتیجه‌گیری

ملمداس، مصداق تولد دوباره‌ی آن‌ها در قالبی کوچک‌تر است. اسطوره‌ای که با توجه به ترس‌ها، نیازها و نگرش یک قوم در قالب یک موجود فوق طبیعی جلوه می‌یابد. با بررسی ردپای ملمداس در اساطیر یونان، می‌توان به مشابهت با سیرین‌ها رسید. اما در مطالعه و بررسی خویشکاری آن با اساطیر ایرانی، به تطابق ویژگی‌های ظاهری و تقابل خصلت‌های باطنی آن با آن‌ها برمی‌خوریم. زیبایی، پوشش طلا آذین و زیستن در کنار آب، از شباهت‌های ظاهری دو اسطوره است. اما آنچه در تقابل

دو اسطوره می‌توان یافت، اغواگری، ویرانگری، شهوت و مقابل برکت و فراوانی بودن ملمداس در برابر معصومیت، قداست، مادری و زاینده‌گی آناهیتاست. همچنین گرفتن فدیه و قربانی توسط آناهیتا از دست جوانمردان و جنگجویان و گرفته شدن جواهرات و گنجینه‌ی ملمداس توسط مردها را می‌توان به عنوان نشانه‌های گذر از دوره‌ی مادرسالاری به دوره‌ی پدرسالاری برشمرد.

منابع و مآخذ

آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

اسماعیل پور، ابوالقاسم و بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، چاپ هفتم، تهران: چشمه .

بنونیست، امیل (۱۳۷۷)، *دین ایرانی بر پایه‌ی متن‌های معتبر یونانی*، ترجمه‌ی بهمن سرکاراتی، چاپ سوم، تهران: قطره.

دومزیل، ژرژ (۱۳۸۵)، *اسطوره و حماسه در اندیشه‌ی ژرژ دومزیل*، ترجمه‌ی جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: مرکز.

روزنبرگ، دانا (۱۳۷۹)، *اساطیر جهان: داستان‌ها و حماسه‌ها*، ترجمه‌ی عبدالحسین شریفیان، ج ۱، تهران: اساطیر.

_____ (۱۳۷۹)، *اساطیر جهان*، ترجمه‌ی عبدالحسین شریفیان، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: اساطیر.

قرشی، امان‌الله (۱۳۸۰)، *آب و کوه در اساطیر هند و ایران (درآمدی بر علم اعلام جغرافیایی هند و اروپایی)*، تهران: هرمس.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی*، تهران: سروش.

_____ (۱۳۸۸)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها*، چاپ دوم، تهران: فرهنگ

معاصر.

Harrison, Jane Elen (1963), *Themis: study of the social origins of Greek religion*, World Pub. Co.

Melmodas in the Scope of Water Mythology

Sara Abbasi ¹

Abstract

Melmodas is a beautiful and seductive woman who attracts men with a fragrant, singing scent and slices them between her saws. This myth is related to the Persian Gulf and is similar to the Greek Sirens. This research has been done analytically in order to understand the mythical status of this character as well as to understand its roots. In examining Melmodas's myth, according to the theorists, it is understood that this case study is the birth of a double Anahita. In examining the appearance and affinity of Melmodas with Anahita, we come to a dualism and the contrast of two myths. As perceived, Melmodas represents the transition from motherhood to patriarchy, which expresses the anger of human nature.

Keywords: Melmodas, Myth, Woman, Water, Anahita.

1. lecturer of Fatemeh Bandar Abbas Technical School, MSc in Animation, Tehran University of Surah.